

حماسه و عرفان در غزل آئینی معاصر*

نجمه نظری^۱

مبینا مطهری نسب^۲

ریحانه جعفری نیا^۳

چکیده

پس از انقلاب اسلامی، برخی شاخه‌های شعر آئینی مانند شعر ولایی گسترش یافت و موضوعات و قالب‌های متنوعی را دربر گرفت. پیوند حماسه و عرفان یکی از ویژگی‌های شعر آئینی است که از فضای حاکم بر کشور در دوران هشت ساله دفاع مقدس تأثیر بسیار گرفته است. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و جلوه‌های حماسی و معنوی این دو جریان تاریخی، موجب شد پیوند حماسه و عرفان از ویژگی‌های برجسته شعر انقلاب به شمار آید. تفاوت این اشعار با سروده‌های عرفانی کهن، در کارکرد سیاسی- اجتماعی آنهاست. پس از پایان جنگ نیز پیوند حماسه و عرفان با بسامدی کمتر و با تفاوت‌هایی نسبت به گذشته، در غزل آئینی دیده می‌شود. در پژوهش حاضر، نمودهای حماسی و عرفانی در غزل آئینی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰ بررسی شده است. نگاهی به سیر این سروده‌ها بیانگر آن است که مضامینی مانند ظلم‌ستیزی، مرگ با عزت، ایثار و پاکبازی، در شعر دفاع مقدس بیشتر دیده می‌شود. از ویژگی‌های غزل آئینی در سال‌های اخیر، رویکرد انتقادی به دور شدن از ارزش‌ها و آرمان‌ها، حق‌طلبی و آرزوی شهادت همراه با ردّ مصلحت‌خواهی و عافیت‌جویی، نگاه حماسی و فعال به سوگواری مذهبی و تأکید بر شخصیت حماسی بزرگانی چون حضرت زینب (ع) و امام سجاد (ع) است.

واژگان کلیدی

شعر معاصر، غزل آئینی، عرفان، حماسه، شعر عاشورایی، شعر مهدوی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۹

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول) (n.nazari@basu.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (motaharinasab.mobina73@gmail.com).

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (soghraajafarniya@yahoo.com).

مقدمه

در دین اسلام شناخت، برای حرکت انسان و ارزشمندی آن، به ویژه در موضوعات اساسی از جمله امامت و معرفت به امام امری ضروری است. برای رسیدن به این معرفت، توجه به آیات و روایات نقش بسزایی دارد. قرآن، این کتاب هدایت برای همه انسان‌ها، در همه اعصار، بیانگر اصول و کلیات امامت است که با روایات تفسیری تفصیل و جزئیات آن در آیات مستقیم و غیرمستقیم تبیین شده است. بسیاری از مطالب عالی قرآن در قالب‌ها و شیوه‌های مختلفی در خود آیات و یا روایات تفسیری نمودار گشته است که دقت در آنها، ابوابی بی‌نظیر از معرفت امام را برای انسان می‌گشاید. با تحلیل جامع و درست متون دینی، مفهوم‌سازی دقیقی، برای تصحیح بینش و شناخت نسبت به امام و امامت تصویرسازی می‌شود. از جمله این روش‌ها، تصویر استعاری است که کلمات الهی و اولیاء او، سرشار از آن است تاجیگاه امام را بهتر و ملموس‌تر و جذاب‌تر منتقل کند و با نوعی روشننگری مفهومی، زمینه‌ای مناسب را در فهم شهودی مقولات انتزاعی مانند «مقام امام» فراهم آورد و آن را برای مخاطب باورپذیرترند و نقش حضرات و چگونگی پیوند با آنها را به صورت عینی و عمیق مفهوم‌سازی کند.

یکی از ویژگی‌های بارز و مهم ائمه علیهم‌السلام در آیات و روایات تفسیری، «هدایت بخشی» آنان است که دلیلی برای روشن کردن سایر ابعاد وجودی اهل بیت علیهم‌السلام است؛ از همین رو روایات تفسیری «هادی بودن» ائمه به ویژه حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را در قالب‌های مختلف استعاره مفهومی، تبیین و تصویرسازی کرده‌اند. یکی از زیباترین و مهم‌ترین آنها، استعاره «نور» و زیرمجموعه آن است که بدان پرداخته می‌شود.

پیشینه

در مورد حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، القاب، ویژگی‌های یاران و ظهور و حکومت ایشان، مقالات و تحقیقات بسیاری نوشته شده است:

تعدادی از آثار تحقیقی در مورد ویژگی خاص هادی بودن اهل بیت علیهم‌السلام است، مانند: مقالات «امامان پرچمداران هدایت» و «امامان نور و صراط مستقیم»؛ «امامت؛ هدایت، اصل پایدار الهی»؛ «در پرتو قرآن: شجره مبارکه زیتونه تجلی‌گاه نور هدایت».

تحقیقاتی نیز با توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام به جلوه‌های هدایتی هر یک از معصومان در عصر خودشان اعم از هدایت علمی، رفتاری و... پرداخته اند، مانند: مقاله «جلوه‌های هدایت در سیره و سخن امام حسن عسکری علیه السلام» و...

مقالاتی هم ویژگی هدایت بخش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به طور خاص بررسی کرده اند، مانند: «هدایت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»؛ «هدایت‌گری در قیام عاشورا و امام مهدی علیه السلام»؛ «نور مهدی، هدایت‌گری از فراسوی آینده» که بر مبنای نام و صفات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتظار و هدایت به ساختن آینده‌ای مقرر، نوشته شده و بر استعاره‌هایی مانند چراغ هدایت تکیه شده است.

با وجود روایات فراوان، در زمینه نور بودن اهل بیت علیهم السلام از جمله در «باب ان الائمة نورالله» *اصول کافی*، در مورد ویژگی‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله وصف هدایت‌گری ایشان، با رویکرد استعاره مفهومی «نور» در روایات تفسیری تحقیقی انجام نشده است؛ گرچه در مورد آیات و ویژگی‌های خاصی از ائمه علیهم السلام با این رویکرد آثاری مانند مقاله «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن» وجود دارد. از همین رو پژوهش حاضر بر آن است، ابعاد ویژگی «هدایت‌گری» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در استعاره اصلی نور و توابع آن طبق روایات تفسیری، بر پایه نظریه استعاره مفهومی شناختی لیکاف و جانسون به روش توصیفی - تحلیلی بررسی کند؛ چراکه اهمیت بررسی این مسئله پوشیده نیست.

ضرورت و اهداف

«امامت» از اصول مهم و ضروری اعتقادی دین اسلام است و در روایات مردن آدمی در حال عدم معرفت به امام، مرگ جاهلی شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۹). بر این اساس هرچه معرفت به امام زمان علیه السلام، عمیق‌تر و ملموس‌تر شود، حیات و مرگ انسان، الهی و عالمانه و با اطاعت بیشتری خواهد بود و انسان از تجلیات هدایتی حضرت استفاده بهتری خواهد کرد.

با توجه به این که یکی از مشهورترین القاب حضرت، «مهدی» است، فهم عمیق ویژگی «هدایت» در ایشان، به خصوص برای امید به آینده‌ای روشن، ضرورتی واضح است.

یکی از راه‌های دست‌یابی به معرفت عمیق‌تر در مورد امام مهدی علیه السلام، به ویژه وصف «هدایت‌گری» حضرت، کشف استعاره‌های مفهومی مختلف و ارتباط آنها با یکدیگر در

این زمینه است و چه بسا غفلت و یا درک صحیح نداشتن مردم از این وصف ذاتی اهل بیت علیهم السلام و به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که امام غایبند، دلیلی بر روشنگری ائمه در روایات تفسیری به شیوه استعاری در وصف هدایت کنندگی شان، بوده است تا با این کار نیز نقش هدایت بخشی خود را، در این زمینه مهم نیز ایفا کنند و با دقت در جنبه های دلالی متن روایات استعاری، انسان ها به این جایگاه، معرفت یابند و جان خود را در معرض تابش نور هدایت آنان قرار دهند.

روش و مراحل تحقیق

این پژوهش توصیفی - تحلیلی، باروش کتابخانه ای، بر مبنای نظریه استعاره مفهومی در معنانشناسی شناختی مراحل زیر را پیموده است:

الف) استخراج بیش از ۳۵۰ آیه در مورد مهدویت براساس روایات ذیل آنها، زیرا تنزیل این آیات صریحاً در مورد مهدویت نیست.

ب) گزینش روایات تفسیری و تأویلی مرتبط با استعاره مفهومی نور در وصف هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ گرچه همه اهل بیت نور واحدند و روایات بسیاری، ویژگی هایی از ائمه علیهم السلام را با بیان استعاری، بیان کرده اند، که شامل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم می شود، اما فارغ از بیان آنها، در این پژوهش، روایات مربوط به موضوع، براساس ملاک های زیر گزینش شده است:

- روایاتی که به صورت صریح در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

- روایاتی که در مورد اولاد حضرت علی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام، سخن گفته است، زیرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم یکی از آنها هستند.

- روایاتی که در مورد همه اهل بیت علیهم السلام است و از وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است.

ج) بررسی و تحلیل و تبیین استعاره مفهومی در هر مورد و تشخیص حوزه مبدأ و مقصد و کانون استعاره، براساس تجلیات مختلف هدایتگری حضرت با تکیه بر رابطه مبدأ حسی با مقصد انتزاعی و نیز یافتن مؤیدات و قرائن روایی بر کانون های استعاره ها.

مفاهیم

سه کلید واژه «هدایت»، «روایت تفسیری» و «استعاره مفهومی» تبیین می شود:

۱. هدایت و مهدی

«هدایت» از ریشه «هدی» در لغت به معنای «الرَّشَادُ، الدَّلَالَةُ وَضِدُ الضَّلَالِ» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۷۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۴۲). بعضی این معنا را مقید به لطف و خیرخواهی کرده اند (ر.ک: قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۱۴۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۸۳۵). بیشتر اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نوعی با وصف هدایتگری ایشان، پیوند دارد، اما به طور خاص وصف «هادی، مهدی» نمایانگر این ویژگی است که آدمی را به آنچه مطلوب انسان بودن است با لطف و خیرخواهی، راهنمایی می کند و رشد می دهد. هرچند همه امامان هادی و مهدی هستند، اما این وصف از جهت نوع هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت و نیز هدایت عمومی و جهانی در زمان ظهور، به طور خاص بر ایشان، اطلاق شده است.

لقب «مهدی»، اسم مفعول به معنای «هدایت یافته» است؛ روایت «انما سُمی المهدی لانه یُهدی الی امر خفی» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۷). نیز مؤید این معناست. البته گاهی اسم مفعول، برای مبالغه، به معنای اسم فاعل استعمال می شود. لقب «مهدی» برای حضرت، برای مبالغه در هدایت کردن، به معنای «هادی» نیز هست؛ مؤید این معنا نیز روایتی از امام صادق علیه السلام است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دَثَّرَ وَضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ، وَإِنَّمَا سُمِّي الْقَائِمُ مَهْدِياً لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ...» (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۳). قسمت اول روایت (و هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ) نشانگر آن است که مهدی به معنای اسم فاعل است. گفتنی است، کسی که از هر جهت هدایت شده، «مهدی» به هر دو معنای اسم فاعل و اسم مفعول، در مورد حضرت آمده است، چراکه ایشان از هر لحاظ هدایت یافته و نیز هدایت کننده کامل از جانب پروردگار هستند.

۲. روایات تفسیری

از مهم ترین منابع فهم قرآن پس از آیات، «روایات تفسیری» صادر شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام است. خداوند وظیفه تبیین قرآن را بر عهده رسول خود نهاده است تا آنچه را تدریجاً برای مردم نازل می شود برای ایشان بیان کند (نحل: ۴۴) زیرا معارف الهی بدون واسطه به مردم نمی رسد و باید کسی از میان ایشان به این منظور نصب گردد و این همان غرض از رسالت یعنی تحمل وحی و ابلاغ و تعلیم و بیان آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق:

شناخت اقسام روایات برای حفظ از لغزش در فهم و تفسیر ضروری است که در جای خود قابل توضیح است. روایات تفسیری استعاری که در مورد وصف هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در این پژوهش انتخاب شده، بیشتر از نوع روایات بطنی و یا تمثیلی و... است.

۳. استعاره مفهومی^۱

- تعریف: استعاره مفهومی سرتاسر زندگی روزمره (از عرصه زبان تا اندیشه و عمل) را، دربر گرفته است و فقط مختص زبان نیست (Lakoff & Jahnson, 1980: 3). استعاره‌ها از یک واژه یا عبارت ساخته نمی‌شوند، بلکه از شباهت هستی‌شناختی - که میان عناصر دو قلمرو وجود دارد - و معرفت‌شناختی - که میان روابط عناصر یک قلمرو با روابط عناصر دیگر است - بین دو حوزه مبدأ (حسی و عینی) و مقصد (انتزاعی) پیدامی‌شوند (قائم‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۴).

انواع استعاره مفهومی: گونه‌های استعاره مفهومی، براساس تقسیم سه‌گانه بنیادی لیکاف و جانسن، عبارت است از:

۱. استعاره جهت‌ی: ^۲ مفاهیم در این استعاره مفهومی بیشتر با جهت‌گیری فضایی مانند بالا یا پایین، جلو یا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون و... مرتبط هستند (Lakoff & Jahnson, 1980: 14-18).

۲. استعاره ساختاری: ^۳ در استعاره ساختاری، از یک امر مشخص و منظم برای ساختن چارچوب مفهوم دیگر که نامشخص است با توجه به فرهنگ حوزه مقصد، استفاده می‌شود؛ مانند درک مفهوم زمان، به وسیله طلاقه ارزشمندی آن ملموس است و استعاره مفهومی «وقت طلاست» به وجود می‌آورد و بازتاب آن در کلام فرهنگی که طلا را ارزشمند می‌داند، به شکل‌های مختلفی چون «وقت را حرام نکن» و «وقت خود را به بهای ناچیز بفروش» وجود دارد (Lakoff & Jahnson, 1980: 7-14).

۳. استعاره هستی‌شناسی (وجودی): ^۴ در این استعاره به مفاهیم انتزاعی حوزه مقصد

1. Cognitive semantics
2. metaphor Orientational
3. Sistemacity Metaphor
4. Ontological Metaphor

ماهیت وجودی داده می‌شود. هستی چیزی، در قالب وجود و یا هستی چیز دیگری درک می‌شود. به عنوان مثال احساسات مانند چیزی یا جاننداری فرض می‌شود یا یک حیوان را در قالب یک حیوان دیگر یا یک چیزی را در قالب چیز دیگر و یا انسانی در قالب انسانی دیگر درک شود (Lakoff & Jahnson, 1980: 21-25). استعاره‌های وجودی به اقسام زیر تقسیم می‌شوند:

- ظرفی: ^۱ ذهن پدیده‌هایی را که فاقد حجم است، طوری فرض می‌کند که گویی دارای درون و بیرون است، مانند عبارت «او در خوشی است» که خوشی یا ناراحتی؛ ظرفی دارای درون و بیرون فرض شده است (Lakoff & Jahnson, 1980: 14).

- پدیده‌ای یا مادی: ^۲ در این نوع، انسان امور انتزاعی را پدیده مادی شمرده و به آنها ارزش پدیده‌ای می‌دهد، مانند استعاره «تورم به منزله یک پدیده است» که در عبارتی مانند «تورم مرا مریض کرده است» بازتاب دارد (Lakoff & Jahnson, 1980: 26). استعاره «نور» برای «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه التریک» از این نوع است.

- انسان بخشی (شخصیت بخشی): ^۳ در این نوع، ب رای بیان یک پدیده غیر انسانی، از صفات انسانی استفاده می‌شود، مانند: «زندگی مرا فریب داد» (Lakoff & Jahnson, 1980: 29-33).

- حیوان بخشی: ^۴ در این نوع استعاره برای بیان یک پدیده‌ای که حیات ندارد، از ویژگی‌های حیوانی استفاده می‌شود.

- گیاه بخشی: ^۵ در این قسم، برای بیان یک پدیده‌ای که حیات ندارد، از صفات و ویژگی‌های گیاه و حیات نباتی استفاده می‌شود.

جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه التریک با تکیه بر استعاره‌های مفهومی «نور»

خداوند حکیم در هر زمانی، امامی را برای راهنمایی مردم فرستاده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۶۷). در آیه ۷ سوره رعد «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» نیز به این مطلب اشاره شده است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۰۴). امام به عنوان هدایت کننده مردم زمان

1. Container metaphors
2. material metaphors
3. Personification
4. Animalification
5. Plantification

خود، به سوی آنچه پیامبر ﷺ آورده، راهنمایی می‌کند. این هادیان بعد از پیامبر اکرم ﷺ، حضرت علی و جانشینان او هستند (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۰۴). تا بر مردم، اتمام حجت شود؛ چه آن امام ظاهر باشد، چه غایب، راهنما و هادی است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۲۳، ۲۰). زیرا همه آنان مهدی و هدایت یافته واقعی هستند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۱۷). و آخرین آنها امام مهدی ﷺ است (ر.ک: خزاز، بی‌تا: ج ۱، ۱۶۵؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۳۸-۳۴۰).

هدایت کردن و تلاش برای نجات انسان‌ها از گمراهی، یک مبنا در حرکت هر امامی است و اگر معرفت به مقام هدایتگری امام، به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حاصل شود، آدمی دل در گرو او می‌سپارد تا رشد کند و از هر گمراهی و انحرافی در امان باشد و صد البته که درک این مبنا و مقام والا در امام مانند سایر مقامات معنوی، یکی از حوزه‌هایی که به برقراری استعاره نیاز دارد، زیرا درک آن به لحاظ غیرمادی بودنش، نیازمند برقراری نگاشت با یک حوزه حسی است، به ویژه زمانی که آن امر معنوی به قدری والا و وسیع باشد که بیان آن به سادگی میسر نباشد (ر.ک: نصرتی و رکعی، ۱۳۹۹ش: ۳۲۳). از همین رو برای این تحقق مهم، اهل بیت علیهم السلام در تبیین آیات با استعاره‌های مفهومی مختلفی مانند نور، شمس، قمر و... از دریچه‌های گوناگونی، حقیقت شأن هدایت بخشی امام به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به صورت ملموس تصویرسازی کرده‌اند؛ چراکه این مقام امام مهدی علیه السلام جلوه مهمی است که سایر اوصاف حضرت را روشن می‌سازد و توجه به شبکه‌های درهم‌تنیده گونه‌های متفاوت استعاره‌های مفهومی در این زمینه، دریچه‌های جدیدی از ساختار نظام‌مند این مفهوم قرآنی را بر روی آدمی می‌گشاید؛ از این رو در ادامه ضمن بیان استعاره‌های مفهوم‌ساز نور و... و ارتباط آنها، جلوه‌هایی از وصف هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان کانون استعاره‌ها تحلیل و تبیین می‌شود.

۱. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره اصلی «نور»

ساده‌ترین تجربه هر فردی از نور، همان نور حسی است که آن را درک می‌کند، زیرا به صورت ملموس در امور مختلف آن را دیده و فواید آن مانند روشن کردن راه و... را دریافته است. «نور» روشنائی پراکنده‌ای است که به دیدن کمک می‌کند. نور دو قسم دنیوی و اخروی است و نور دنیوی خود دو نوع معقول و محسوس است (راغب، ۱۴۱۲ق:

۸۲۷). یکی از کاربردهای نور در قرآن همان نور حسی است (یونس: ۵). بر همین اساس، از کاربردهای دیگر واژه نور در آیات و روایات فراوان، استعاره آمدن لفظ و مفهوم عینی «نور» است مانند استعاره «نور» برای مفهوم «امام و امامت و ولایت» در آیاتی مثل ۳۵ نور، که تأویل یا تفسیر آیه است (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۸). در قرآن تقابل «نور» و «ظلمت» نقش محوری دارد و این دو مفهوم با بنیادی ترین استعاره های مفهومی قرآن ارتباط دارند. قرآن موجودات خیر را با نور و موجودات شر را با ظلمت مرتبط می داند. دو استعاره مفهومی «خیر، نور است» و «شر ظلمت است» اساس آیاتی هستند که نور و ظلمت در آنها به کار رفته است (قائمی نیا، ۱۴۰۰ش: ج ۲، ۱۸۸).

وجود اهل بیت علیهم السلام از جمله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصل هر خیری است: «إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۶۱۶). برای تبیین ابعاد مختلف این جایگاه مهم و غفلت زدایی مردم نسبت به آن، استعاره نور و نیز فروع آن مانند استعاره روز، شمس، قمر و... که هر کدام زوایایی از خیر بودن نور وجود حضرت را تصویرسازی می کند، در روایات تفسیری دیده می شود. کانون اصلی این استعاره ها هدایتگری است. برخی از جلوه های هدایتگری در استعاره نور از جهت هادی بودن خود حضرت و نیز اثراتی که برای هدایت شوندگان دارند، براساس کانون هایی که در این استعاره نگاشت شده، عبارت است از:

الف) الهی بودن هدایت

یکی از پرمعناترین آیات استعاری قرآن «آیه نور» (نور: ۳۵) است. در روایات فراوانی، هر قسمت از این آیه به وجود مقدس یکی از معصومان علیهم السلام تفسیر و تأویل شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام آخرین فراز این آیه «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» به قائم آل محمد علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر کرده اند (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۷۲). در آیه «اللَّهُ نور السموات والأرض مثل نوره...» (نور: ۳۵) «اللَّهُ مرجع ضمیر «ه» در عبارات «مثل نوره» و «یهدی الله لنوره من يشاء» و اضافه «نوره» لامیه است، و این خود دلیلی است بر آن که نور و هدایتگری اهل بیت علیهم السلام و نیز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نوری است که از جانب خدا افاضه می شود و آنان در هدایت کردن مستقل نیستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵، ۱۲۳). از روایات دیگر نیز برمی آید چنین نوری از رب گرفته شده است (مجلسی، بی تا: ج ۵۲،

۳۲۱-۳۲۲). از همین رو خداوند هرکس را بخواهد به آخرین آنها یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هدایت می‌کند؛ به طور قطع بهترین راه توجه به حقیقت نورانی امام، همین مظهریت هدایت الهی است که در استعاره «نورالله» برای حضرت، مفهوم‌سازی شده است.

خداوند هرکسی را به سوی این نور خاص الهی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، هدایت نمی‌کند و توفیق بهره‌مندی از هدایت خاص حضرت را به او نمی‌دهد، بلکه شامل حال مؤمنان خالص که چشم قلب آنها بیناست، می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵، ۱۲۵-۱۲۱). زیرا این درک نور معنوی، مانند هر نور حسی، دیده بینا می‌خواهد و آنان که چشم خود را کور کرده‌اند، راهی به سوی روشنایی ندارند.

ب) هدایت کردن ذاتی و دائمی

در زیارت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، آمده است: «السلام عليك يا نور الله الذي لا يطفى» (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۹، ۹۸ و ۱۱۷). ویژگی نور هدایت حضرت آن است که خاموش نمی‌شود، زیرا همان‌طور که گذشت این نور از خداست و ذاتاً روشن و آشکار است و از همین جهت که واجد چنین کمالی است، غیر خود را نیز آشکار می‌کند، زیرا فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد. بنابراین، استعاره نور برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از آن روست که: خود حضرت حجتی آشکار است و به حسب کمالات، آشکارترین و ظاهرترین مخلوقات است مانند نور محسوس نسبت به بقیه مخلوقات محسوس؛ گرچه اکنون غایب است اما در نهایت ظهور و آشکاری است و حتی از آفتاب روشن‌تر و آشکارتر است و غیر خود را نیز روشن می‌کند (موسوی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۶-۲۸۰). و به دلیل ذاتی بودن این ویژگی که لازمه امام و حجت الهی است، همیشگی هم هست و هیچ‌گاه نور هدایت ایشان خاموش نمی‌شود.

ج) هدایت کردن در امتداد هدایت سایر ائمه و تمام‌کننده آن

در ذیل آیه «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهُمْ وَاللَّهُ مَتِّمُ نُورِهِ» (توبه: ۳۲). امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «می‌خواهند نور ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با زبان‌های خود خاموش کنند و خداوند نورش را کامل می‌کند، یعنی خداوند امامت را تکمیل می‌کند، به دلیل این آیه: حال که چنین است «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن: ۸) - نور همان امام

است. (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۱۹۶). خداوند این نور را با ولایت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه تمام می‌کند» (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۴۳۲). از این گونه استعاره‌ها استفاده می‌شود، نور امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه امتداد هدایت سایر ائمه علیهم السلام و تکمیل و تمام‌کننده آن است.

کاربرد مفرد واژه نور در قرآن، برخلاف کاربرد جمع برای ظلمات (بقره: ۲۵۷)، از همین روست که راه هدایت، بیش از یکی نیست، در حالی که بیراهه‌های ضلالت فراوان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ۱۱۲) و همه هدایت‌کنندگان به این راه، در یک مسیر و به سوی یک مقصد هدایت می‌شوند؛ همان‌طور که در روایات همه اهل بیت «نور واحد» خوانده شده‌اند (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۵ش: ۱۹۵).

د) هدایت کردن تکوینی و تشریعی

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نور هدایتی است که با نورانیت ذاتی خود، غیرخود را با دو شیوه آشکار می‌کند:

۱- آشکار کردن عمومی: ائمه علیهم السلام که مظاهر نور مطلق الهی هستند، وساطت آنان در نور عام الهی مطلق است و همه موجودات (اعم از جماد، نبات، حیوان، انسان و...) از آن بهره می‌برند. در این بهره‌مندی، نه تنها اختیاری وجود ندارد، بلکه ایمان نیز شرط نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ۱۰۸). و مانند رحمت عامه است. پس وجود مخلوقات به یمن وجود حضرت است و فیوضات الهی از مجرای وجود او که خلیفه خداست، به موجودات می‌رسد (انصاریان، بی‌تا: ج ۲، ۷). در دعای عدیله کبیر آمده است:

يُيَمِّنُهُ رُزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَيَّنَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۴۲۲).

وجود زمین و آسمان و حیات و بود کون و مکان، دایرمدار وجود آن حضرت است و همه ریزه‌خوار خوان انعام اوست (نهایندی، ۱۳۸۶ش: ج ۲، ۱۳۳). چنان‌که در روایت دیگری آمده است:

اگر لحظه‌ای امام از زمین برداشته شود، زمین متلاطم می‌شود و همراه اهلش اضطراب پیدا می‌کند، آن چنان‌که دریا با اهلش طوفانی و متلاطم می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۰۲).

یعنی آن مسیر منظمی که وجود زمین و آسمان بر آن آفریده شده بود، از بین می‌رود (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۰-۳۷۱؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

این از فوائد بسیار حیاتی، از ناحیه وجود مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عالم وجود، خود نوعی نوربخشی و هدایتگری عام امام است، چنان که نور حسی نیز چنین برکات عامی برای موجودات دارد، اما این کجا و آن کجا!!! کسی که این جنبه هدایت تکوینی حضرت در عالم وجود را با استعاره نور برای حضرت درک کند، هر لحظه خود و وجود خود را بر سر خوان گسترده ایشان می‌بیند و به شکرانه آن سعی می‌کند مطیع حضرتش باشد.

- آشکار کردن خاص (هدایت تشریعی): نوع دوم هدایتگری حضرت است بهره‌مندی از وساطت آن امام در نور خاص، به ایمان و اختیار بستگی دارد و تنها کسانی از هدایت ویژه آن ذات نورانی بهره می‌برند که خود را در معرض تابش نور معنوی حضرت قرار دهند و کسانی که چنین نکنند، خود را از نور آن آفتاب عالم‌تاب محروم کرده و به زحمت انداخته‌اند و در وادی ضلالت، سرگردان خواهند شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ج ۳، ۱۰۸-۱۰۹). زیرا تنها با نور او و اقتدا به او می‌توان راه را پیدا کرد (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ۱۹۴-۱۹۵). چنان که در زیارت روز جمعه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است:

السلام عليك يا نور الله الذي به يهتدي المهتدون (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۹، ۲۱۵).
این هدایت براساس فرموده امام صادق علیه السلام از طریق راهنمایی به دستورات الهی است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۲۱).

ه) نهایت هدایتگری

نور الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چنان اضائه و تابشی دارد که شدیدتر از آن در بین مخلوقات تصور نشود و این همان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذیل آیه ۳۵ نور فاعل «یضیء...» را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل کرده‌اند (ر.ک: ابن شهر آشوب، بی‌تا: ج ۱، ۲۸۰).

در ذیل آیه ۶۹ زمر نیز روایت شده است: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» فرمود: «پروردگار زمین یعنی امام زمین». عرض کردم: «وقتی امام بیرون آید چه می‌شود؟» فرمود: «آن‌گاه

مردم از تابش خورشید و نور ماه بی‌نیازی شوند و به نور امام می‌نورند» (قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۲۵۳). این تعبیر در روایت حکایت از آن دارد که نور هدایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مردم، در اوج و قله است به گونه‌ای فراتر از آن تصور نمی‌شود و افراد خود را از نورهای دیگر بی‌نیاز می‌بینند زیرا به منشأ نور رسیده‌اند.

و) برطرف کردن ظلمات

امام نور الهی در ظلمات زمین است: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ» (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۹، ۱۱). حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین نور خدا، زمین و آسمان را روشن نموده‌اند، چنان‌که در زیارت جامعه آمده است:

واشرق الأرض بنوركم (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۹، ۱۳۲).

با توجه به تقابل ظلمت و نور در قرآن، یکی از مهم‌ترین خیرات وجود نورانی ائمه به ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن است که با نور وجودی خود ظلمات در زمین دنیا و زمین درونی انسان‌ها را از بین می‌برند، ظلماتی مانند جهل و گمراهی، پیروی از هوای نفس و... که حضرت با ولایت و علم خود دنیا را روشن و دل‌های مؤمنین را نورانی می‌کنند.

ز) حیات بخشیدن و رشد دادن

اصلی‌ترین نیاز هر موجودی، بقاء حیات اوست که یکی از مهم‌ترین عوامل آن نور با همه خواص آن است از گرمابخشی و... نور وجود حضرت برای موجودات نیز چنین برکاتی را دارد همان‌طور که در جلوه هدایت تکوینی، توضیح آن گذشت. اما مهم‌تر از حیات ظاهری، حیات معنوی انسان‌هاست که حضرت با نور هدایت تشریعی خود، دستورات الهی را احیاء می‌کنند و به دنبال آن بر حیات معنوی انسان‌های طالب، نیز تأثیرگذار است. در روایتی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «زمین از ابتدا خالی از حجت عالم نبوده تا دستوراتی که مردم به دست فراموشی سپرده‌اند و از بین رفته، احیا بنمایند؛ بعد آن حضرت این آیه را تلاوت نمود:

يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۲۱؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۲۳، ۵۲).

یکی از اثرات نور حسی، که حکایت از حیات بخششی نور دارد، رشد دادن موجودات است. استعاره نور برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز جلوه رشددهی در وصف

هدایت بخشی حضرت را نشان می دهد، به ویژه که در معنای لغوی هدایت، رشد یکی از مهم ترین مقوم های معنایی آن است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۷۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۴۲). در روایتی امام رضا علیه السلام نیز پس از تفسیر «نور» به امام، ویژگی رشد دهنده گی امام را اشاره کرده اند:

یهدی الله لنوره من یشاء به معنای یهدی الله لولایتنا من احب ومن لم يجعل الله له نورا فما له نور ای من لم يجعل الله له اماما فی الدنیا فما له فی الآخرة من نور ای امام یرشده ویتبعه الی الجنة (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۸).

ح) سرعت بخشیدن به هدایت

نور بالاترین سرعت را، در جهان ماده دارد و می تواند کره زمین را در یک چشم برهم زدن (کمتر از یک ثانیه) هفت بار دور بزند، از همین رو مسافت های فوق العاده عظیم نجومی را فقط با سرعت سیر نور می سنجند و مسافت نوری و سرعت نور در محاورات برای نهایت سرعت، کنایه آورده می شود. یکی از وجوه معرفی امام به نور در روایات گسترش و سرعت نور تابناک الهی و معارف بلندشان است که سریع هدایت می کند، زیرا کلام نورانی آنان (مجلسی، بی تا: ج ۹۹، ۱۳۲) و معارف ارزشمند اهل بیت علیهم السلام آن چنان است که هر جا مطرح شود به سرعت نور جای خود را باز می کند که خود فرمودند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» اگر مردم زیبایی های کلام ما را بفهمند، از ما تبعیت خواهند کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۳۰۷؛ خاتمی، ۱۳۸۶ش: ش ۳۰۸).

۱. جلوه های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره های فرعی «نور»

در عالم حس، حقیقت نور یکی است؛ چه از خورشید ساطع گردد، چه از آتش دیگری. همین نور واحد، اشعه های متفاوتی دارد، که هر کدام خواصی دارد. پدیدار شدن هر حقیقت و استعدادی، نیازمند تابش اشعه مخصوص به آن است. از آن جا که عالم ماده مرتبه نازله عالم معناست، این قاعده در عالم معنا هم جاری است. از همین رو استعاره «نور» برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در پیوند با استعاره های مفهومی دیگر در مورد حضرت، که مرتبط با نورند، تصویر جامع تر و عینی تر می یابد؛ چرا که نور وجودی تشکیکی است و یا ابعاد متعددی دارد، استعاره هایی مانند نهار، شمس، قمر، نجم، شهاب ثاقب و... برای امام زمان علیه السلام را می توان زیرمجموعه نور بودن امام به عنوان حقیقت واحدی قرار داد. آنچه مهم است، کشف کانون استعاره هاست تا جنبه های

مختلف راهنما بودن حضرت روشن تر گردد.

۲. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «نهار»

از مواردی که نور در اصل وجود آن اثرگذار است، روز است. به دلیل ویژگی آشکار بودن همه چیز در روز، «روز» در محاورات به صورت استعاری برای امور انتزاعی، کاربرد دارد. بیشتر مردم، در مورد اموری که هیچ شکی در آن نیست و بسیار روشن هستند، یا سبب روشن شدن و راهنمایی بر چیزی می‌شود، استعاره مفهومی روز را به کار می‌برند (مثل روز روشن است) از استعاره‌هایی که ذیل آیه «وَالنَّهَارُ إِذَا جَاءَهَا» (شمس: ۳) آمده است، روز بودن حضرت و قیام ایشان است (مجلسی، بی‌تا: ج ۲۴، ۷۱-۷۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۷۶ و ۷۷۸). برخی جلوه‌های هدایتگری حضرت در این استعاره عبارت است از:

الف) آشکار بودن وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وقتی روز باشد کسی در روز بودن شک نمی‌کند؛ حضرت نیز روزند، زیرا براساس روایتی ذیل آیه ۸ تغابن در مورد وجود ایشان شکی نباید باشد که ظاهرتر از خورشید و روزند، به ویژه برای قلوب مؤمنان (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ش: ۱، ۱۹۴-۱۹۵). مگر آن‌که از شدت ظهور روز، به وجود آن و این نعمت توجه نشود.

ب) روشن کردن راه برای بینندگان طالب

روز مسیر حرکت انسان را آشکار می‌کند مگر آن‌که عیبی در چشم و دستگاه گیرندگی نور در خود انسان باشد. براساس روایات روز بودن ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف و به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از آن جهت است قلوب مؤمنان را منور می‌کنند و از غیرمؤمنان در حجابند و قلوب آنها به این سبب تاریک می‌شود (ر.ک: حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۶). پس با وجود آن‌که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند روز آشکارند یا در زمان ظهور آشکار می‌شوند، اما عده‌ای به سبب فرورفتن در ظلمات کفر و عصیان، چشم دل‌شان از نور حضرت در حجاب است.

ج) روشن کردن همه امور از جمله حق و باطل

روز نه تنها خود آشکار است بلکه به دلیل روشن بودنش، همه اشیاء مادی را هم آشکار می‌کند؛ یکی از جلوه‌های هدایتگری حضرت نیز همین است که ایشان را روز خوانده‌اند، زیرا علاوه بر آن‌که خود حضرت آشکارند با قیام خود امور دیگر مانند حق و باطل را هم روشن می‌کنند و زمین را پر از قسط و عدل می‌کنند (ر.ک: فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۶۳) و بر

دولت‌های باطل پیروز می‌شوند (قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۴۲۵) و همان‌طور که در روز می‌توان از بدی‌ها و خطرات آگاه شد و به سمت آنها نرفت، با ظهور حضرت و مشخص شدن حق از باطل، دیگر ظلمات ظلم و جور نخواهد بود و خوبی‌ها چون روز روشن و آشکار می‌شود.

د) پایان دادن تاریکی‌ها

همان‌طور که با آمدن روز، شب می‌رود، در روایتی که می‌فرماید:
مقصود از روز قائم آل محمد است که ظلم و جور را از بین می‌برد و زمین را پر از قسط و عدل می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۵، ۶۷۱).

تشبیه لطیفی بین روز و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان از آن که در دوران غیبت حضرت، نور عدالت در جهان کم شده و دنیا به تیرگی شب شبیه شده؛ اما با ظهور خورشید عالم‌تاب، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظلمت از بین می‌رود ظلمتی که براساس روایات همان ظلم و جور است (همان). و زمین به نور آن حضرت چون روز، روشن می‌شود و عدالت فراگیر می‌شود، این‌گونه وجود حضرت چون روز، جهان را از نور عدالت روشن می‌کند.

ه) امنیت بخشیدن

یکی از اثرات روز، ایجاد حس امنیت است برخلاف شب و تاریکی که انسان اطراف خود را خوب نمی‌بیند و احتمال ایجاد خطر برای او وجود دارد. وقتی روز برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استعاره آورده شده یکی از کانون‌های مهم این استعاره، امنیت بخشی به افرادی است؛ چنان‌که در روایاتی آمده است: منور شدن به سبب نور امام، مؤمن را از حساب شدید فزع اکبر در روز قیامت (که در اثر ظلمات) است در امان می‌دارد (ر.ک: حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ ق: ۷۸۰؛ قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۴۲۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۵، ۳۹۶). و چه امنیتی بالاتر از امنیت در قیامت از احوال و سختی‌های آن روز!

۳. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «شمس»

خورشید، عظیم‌ترین، منبع نور حسی در این عالم است، از همین رو برای فهم مقام والای ولایت به ویژه جایگاه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در ذیل آیه اول سوره شمس «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا»، «شمس»، بر امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف و «ضحی» یعنی نور و تابندگی آن در هنگام ظهر، بر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان تطبیق داده شده است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۲۴، ۷۲). نگاشت حوزه مقصد «روشن کردن راه و هدایتگری امام و قیام امام» در

حوزه مبدأ «شمس و نور آن» با استعاره مفهومی مادی (پدیده‌ای)، از آن جا که نظیری در ذهن دارد، تصویر ملموسی از حضرت را برای شنونده مفهوم‌سازی می‌کند و برخی از جلوه‌های هدایت بخشی حضرت را بیشتر نمایان می‌کند:

الف) آشکار بودن حضرت و عدم توان بر انکار حضرت

در هنگام ظهور شناخت حضرت و امر ایشان، مانند خورشید آشکار و واضح است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۵۳). هیچ کس نمی‌تواند وجود ایشان را منکر شود، همان طور که وجود خورشید را به دلیل وضوح نمی‌تواند انکار کند. حتی در زمان غیبت هم، امام غایب همانند خورشید پس پرده ابر، است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۳۵). همان طور که هیچ کس نمی‌تواند منکر فوائد خورشید پشت ابر باشد، هرچند آن را نمی‌بیند، امام زمان علیه السلام نیز همین ویژگی را دارند، هرچند در انظار عمومی حضور ندارند اما حضورشان در زندگی انسان های متقی به وضوح هویدا است و این اولین و مهم ترین قدم برای هدایت یافتن است.

ب) آشکار ساختن همه چیز

خورشید که بدرخشد، نور آن، همه اجسام را قابل مشاهده می‌کند، خورشید عالم تاب وجود حضرت مهدی که در او، نور هندی است، با ظهورش، همه چیز آشکار شود و دلیل آن به فرموده امام صادق علیه السلام، آیه «وَأَنْ يَحْشُرَ النَّاسَ ضَحَى» است (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۶۷۲). این خود بازتابی از هدایتگری حضرت است؛ مانند خورشید که با بالا آمدنش، نورش همه جا را فرا می‌گیرد و همه چیز را آشکار می‌کند، معارف دین و علم نافع همه به برکت وجود اهل بیت علیهم السلام از جمله امام زمان علیه السلام، آشکار می‌شود، چنان که فرموده‌اند:

شَرِّقًا وَغَرِّبًا فَلَا تَحْدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۳۹۹).

ج) فراگیری و نهایت هدایتگری

در ذیل آیه اول سوره شمس «شمس»، برای امیرالمومنین علیه السلام و «ضحی» نور و تابندگی آن در هنگام ظهر برای حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و قیام ایشان استعاره آورده شده است (ر.ک: مجلسی، بی تا: ج ۲۴، ۷۲). «ضحی» به معنی گسترش نور آفتاب در هنگامی است که خورشید از افق بالا آید و در وسط آسمان، نور آن همه جا را فراگیرد،

سپس به آن موقع روز نیز «ضحی» اطلاق شده است. تکیه بر خصوص «ضحی» در سوره شمس به خاطر اهمیت آن است، زیرا موقع سلطه نور آفتاب بر زمین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲۷، ۳۹).

با توجه به روایات تفسیری که وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در مبدأ حسی «ضحی» نگاشته شده است، این مفهوم سازی، اوج و فراگیری نور هدایت بخشی حضرت را جلوه گرمی سازد، به ویژه در زمان ظهور، زیرا طبق آیات و روایات دیگر ایشان تمام کننده نور و هدایتگری سایر ائمه علیهم السلام هستند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ۴۳۲).

د) بهره‌مندی از هدایت به اندازه ظرفیت (شدت نور، مانع رؤیت)

نگاه مستقیم و خیره شدن به خورشید برای هر چشمی مقدور نیست، مگر آن که پشت ابر قرار گیرد و از شدت نور آن کاسته شود، بسیاری از افراد می‌توانند مشاهده اش کنند. نور الهی چنین است:

اللهم إني أَسئلك يا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه (مجلسی، بی تا: ج ۹۱، ۴۰۳).
نور امام هم که از نور خداست چنین است؛ نگاه به آن در توان همگان نیست و هرکسی به مقدار توان خود می‌تواند آن را مشاهده کند و بشناسد، زیرا همان گونه که موجود متناهی توان شناخت هستی نامتناهی را ندارد، موجود دانی نیز قدرت اکتناه موجود عالی را ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ج ۳، ۱۱۰-۱۱۱).

ه) فایده رساندن دائمی حتی در زمان غیبت

تمامی موجودات به خصوص انسان از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌شوند؛ در زمان غیبت نیز مردم از وجود ولایی و راهنمایی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره می‌برند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۳۵). در روایت، امام غایب، به آفتاب زیر ابر و فوائد او به فوائد آفتاب پنهان در پس ابر تشبیه شده است؛ دو کانون اصلی در این تشبیه وجود دارد: الف) اصل بهره‌برداری از نور و گرما و اشعه مفید خورشید است که در روزهای ابری بر زمین می‌تابد؛ ب) کمترین مقدار آن بهره، نسبت به روزهای آفتابی است. پس حضرت گرچه غایبند اما برکات وجودی شان - مانند دعا و استغفار، ولایت تکوینی و هدایت‌های عمومی و خصوصی - بر عالم وجود جریان دارد، هرچند در زمان ظهور بهره مردم از برکات وجود امام بیشتر خواهد بود (ر.ک: تجری گلستانی، ۱۳۸۱ ش: ۵).

و) آرامش بخشیدن و برطرف کردن اضطراب‌ها

همیشه تاریکی مایه اضطراب و وحشت از دزد و حیوان درنده و... است، اما نور سبب آرامش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ۳۶۵). به خصوص اگر نور از منبعی باشد که چنان وسعتی دارد که همه چیز را آشکار می سازد و راه را از چاه مشخص می کند. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که خود شمس و یا نور آن در هنگامی که به اوج می رسد، هستند؛ این ویژگی را دارند و باعث فرار دزدان دین و ایمان و درندگان ستمگر جوامع و مایه آرامش برای دیگران هستند و این آرامش بخشی، فضای هدایت یافتن و دینداری بهتر را فراهم می کند.

ز) وحدت بخشیدن و از بین بردن پراکندگی ها

تاریکی سبب پراکندگی و نور سبب اجتماع است، به همین دلیل اگر چراغی را در يك شب تاریک در میان بیابانی روشن شود در مدت کوتاهی انواع حشرات دور آن جمع می شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ۳۶۵). هرچه منبع نور پرفروغ تر و وسیع تر باشد، مانند خورشید و نور آن، این جمع کردن بیشتر خواهد بود. اگر در روایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خورشید معرفی شده اند، یکی دیگر از جلوه های هدایتگری امام که وحدت بخشی و از بین بردن تفرقه است، مفهوم سازی می شود و همه انسان های مشتاق و بلکه همه موجودات برگرد شمس پرفروغ حضرت جمع می شوند. خورشید عالم تاب وجود حضرت که در اوج نوردهندگی است، با ظهورش، «و أن يحشر الناس ضحی» رقم می خورد (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۵، ۶۷۲).

ح) هموار ساختن مسیر و زدودن ظلمات

خورشید، در روشن کردن مسیر برای حرکت سهل تر و سریع تر موجودات به ویژه انسان ها، به سوی مقصد، نقش مهمی ایفا می کند. از سوی دیگر به سبب حرارتش انواع میکروب ها و... را در کره زمین از بین می برد و اگر تابش این نور پربرکت نبود، همه ساکنان زمین به خاطر وجود میکروب ها و... با مرگ دست به گریبان بودند. مؤمنین نیز در پرتو خورشید تابان وجود ائمه عليهم السلام به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از عوامل ظلمانی هلاکت به نور وارد می شوند، صراط مستقیم را می یابند، زیرا آنان ظلمات و آلودگی های جهل و شرك و کفر را از آسمان روح انسان ها می زدایند و راه رسیدن به مقصد هدایت و نجات را برای آنها هموار می سازند.

نکته شایان توجه در استعاره شمس برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، براساس کاربرد

کلمه «ضیاء» برای شمس (یونس: ۵). عبارت است از این که، ضیاء نوری است که ذاتی باشد مانند نور خورشید، اما نار و نور، عرضی و اکتسابی است. از همین رو می توان گفت، به دلیل ذاتی بودن نور حضرت، ظلمت زدایی شمس وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در نهایت است، چرا که گفته اند ضیاء در کشف تاریکی ها از نور بلیغ تر است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۵، ۱۳۸).

ط) حیات بخشیدن و رشد دادن

«خورشید» مهم ترین و سازنده ترین نقش را در زندگی انسان و تمام موجودات زنده زمینی دارد، زیرا علاوه بر این که منبع «نور» و «حرارت» است و این دو از عوامل اصلی زندگی انسان به شمار می رود، منابع دیگر حیاتی نیز از آن مایه می گیرند، تمام مواد غذایی، وزش بادهای، نزول باران ها، پرورش گیاهان، حرکت رودخانه ها و آبشارها، و حتی پدید آمدن منابع انرژی زا، همچون نفت و ذغال سنگ، هر کدام به نوعی با نور آفتاب ارتباط دارد به طوری که اگر روزی این چراغ حیات بخش خاموش گردد تاریکی و مرگ همه جا را فرا خواهد گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲۷، ۳۹؛ ج ۲۴، ۵۱-۵۲).

تشبیه وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به یک منبع نور، همه این مفاهیم را تداعی می کند. نور وجود حضرت نیز، راهنمای آدمی برای پرورش و نمو روح ایمان و اخلاق، و خلاصه مایه حیات و جنبش و حرکت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ۳۶۵). همان طور که اگر نعمت ماه و خورشید نبود، حیات ظاهری بشر به خطر نابودی می رسید، اگر نعمت وجود پیامبر صلی الله علیه و آله (شمس) و ائمه معصومین عجل الله تعالی فرجه (شمس یا قمر) نبود، حیات معنوی انسان و راه سعادت در تاریخ بشریت وجود نداشت.

۴. جلوه های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در استعاره های فرعی نور: استعاره «قمر»

از دیگر استعاره های فرعی نور برای حضرت، استعاره «قمر: ماه» است که جنبه های دیگری از هادی بودن ایشان را نمایان می سازد:

الف) زیبا بودن و سرچشمه زیبایی ها

زیباترین و لطیف ترین موجود در جهان ماده، «نور» است که سرچشمه همه زیبایی ها و لطافت هاست، در عرف، ماه، نیز به خاطر نورانیتش به ویژه در شب چهاردهم، نماد زیبایی است؛ از همین رو در روایت ماه برای حضرت و نورانیت صورت ایشان استعاره آورده شده (ر.ک: اربلی، ۱۳۸۱ ق: ج ۲، ۵۲۶). تا همه بدانند سرچشمه هر زیبایی از

امام است و از آن جهت که انسان‌ها به سمت امور زیبا، جذب می‌شوند، همین زیبایی ظاهری و باطنی در صورت و سیرت حضرت، عاملی برای هدایت شدن مردم به سوی حضرت شود.

ب) احاطه داشتن بر همه اشیاء

در روایت ذیل آیه **﴿وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهُ﴾** (شمس: ۲) است: ماه در بالا قرار دارد و نورانی است، گویا بر همه اشیاء پائین‌تر از خود، آگاهی دارد، امام هم در زمین به منزله ماه در آسمان، چنین‌اند و در جایگاه خود، از تمام چیزها مطلع است (ر.ک: صفار قمی، بی‌تا: ج ۱، ۴۶۳؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۲۶، ۱۳۶). علم امام لازمه هادی بودن ایشان است، زیرا هدایت‌کننده، باید از امور و حالات افرادی که می‌خواهد آنها را هدایت کند، آگاه باشد. پس یکی از وجوه تشبیه امام به ماه در روایات، از آن روست احاطه کامل بر همه چیز دارد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند سایر ائمه علیهم السلام، به اذن الهی علم مطلق دارند و از همین رو دارای شأن هدایتگری مطلق (تکوینی و تشریعی) نیز هستند.

توجه به این‌که امام معصوم حضوری همه‌جانبه در عالم دارد و به اذن الهی به همه زوایای وجودی انسان علم دارد، سبب می‌شود از زندگی جاهلی رها شود و به اندازه درجه معرفتی که به امام پیدا کرده، به حیات طیب رهنمون گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۳۲ و ۴۴). و از هر غفلتی به درآید و رذائل اخلاقی را کنارگذارد و به فضایی چون صبر و استقامت و... در راه اطاعت‌پذیری متخلق شود، زیرا امام خود را لحظه لحظه در کنار خود می‌داند و همه عالم را محضر او می‌بیند (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۳ش: ۱۶ و ۲۳).

ج) قابل رؤیت بودن امام از هر مکانی

ماه از هر مکانی قابل دیدن است و در هر مکانی دور می‌زند، امام نیز چنین است (ر.ک: صفار قمی، بی‌تا: ج ۱، ۴۶۳؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۲۶، ۱۳۶). وسعت هدایتگری حضرت به قدری است که از جهت علم امام و حتی وجود جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در کل زمین می‌گردد و احاطه دارد و در هر مکانی او را می‌بینند و در بین مردم زندگی می‌کنند اما ممکن است مردم، مانند ارتباط‌شان با ماه، به وجود حضرت با آن همه وضوح توجه نداشته باشند.

د) امتداد دادن هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشین ایشان

در روایات، حضرت رسول صلی الله علیه و آله به شمس و ائمه علیهم السلام از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به

قمر تشبیه شده‌اند. ماه به دنبال خورشید می‌آید و نور خود را نیز از خورشید می‌گیرد. پس ائمه هدی از پی رسول می‌آیند و دانش خود را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله کسب کرده‌اند و همان طور که شمس وجود پیامبر دین را برای مردم روشن ساخت، نور امام هم دین را روشن می‌سازد و بدان هدایت می‌کند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۸، ۵۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۵، ۶۷۰). اطلاق ضیاء به خورشید و نور به ماه در آیه هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا (یونس: ۵). نیز اشاره به همین نکته دارد که نور خورشید، در مقایسه با ماه، از درونش می‌جوشد، ولی نور ماه از منبع دیگری (خورشید) کسب می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲ ق: ج ۴، ۲۰۳).

نکته مهم دیگر که از تأویل روایی آیات ابتدایی سوره شمس قابل استفاده است، این است که انسان به دنبال نور و روشنایی است، زمانی که خورشید باشد، از آن بهره‌گیرد و هنگامی که خورشید پنهان شد، از ماه، بهره‌برد. بر این اساس که تأویل شمس رسول الله و تأویل قمر، امام است، می‌توان فهمید مردم به حال خود رهانده‌اند و در هر زمانی خدا هدایت‌کننده‌ای برای آنان فرستاده و امام جانشین رسول الهی است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

پیرو خورشید باشید، وقتی غائب شد از ماه پیروی کنید... تا این که فرمود: «خورشید منم و علی علیه السلام ماه است» (ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش: ۱۱۴).

۵. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «برج» تابش نور ائمه علیهم السلام از آسمان وجود پیامبر صلی الله علیه و آله، چنان فراگیر است که مردم هر زمانی می‌توانند از آن بهره‌برند و اینان حجتی دائمی در زمین‌اند. ذیل آیه ۶۱ فرقان از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

آسمان منم، و برج‌ها امامان پس از من هستند که اولی آنها علی علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

کانون‌های قابل برداشت از استعاره برج برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از این‌گونه روایات عبارت است از:

الف) تعداد ائمه هادی و آخرین آنها

در ابتدای سوره بروج، «بروج»، برج‌های آسمانی است که یا به معنی ستارگان درخشان و روشن آسمان است یا به معنی صورت‌های فلکی است، یعنی مجموعه‌ای از ستارگان

که در نظر ما شباهت به یکی از موجودات زمینی دارد، و برج‌های دوازده‌گانه، دوازده صورت فلکی است که خورشید در مسیر سالانه خود در هر ماه محاذی یکی از آنها قرار می‌گیرد (البته خورشید حرکت نمی‌کند بلکه زمین به دور آن می‌گردد ولی به نظر می‌رسد خورشید جابه‌جایی شود و محاذی یکی از این صورت‌های فلکی می‌گردد) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲۶، ۳۲۸).

در روایتی، پیامبر ﷺ پس از معرفی اوصیای پس از خود، آنها را به تعداد ماه‌ها و نقیبان حضرت موسی ﷺ دوازده عدد معرفی می‌کنند:

آسمان منم، و برج‌ها امامان پس از من هستند، اولی آنها علی ﷺ و آخرشان مهدی ﷺ است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

بر این اساس تعداد ائمه ﷺ مانند این صور فلکی (بروج) دوازده تاست (ر.ک: طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۴۰۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۶۰). این یکی از جلوه‌های هادیان الهی است که پس از پیامبر اکرم ﷺ، منحصر در این ۱۲ نفری هستند که از جانب خدا تعیین شده‌اند و این معرفی، راه هرگونه سوءاستفاده از این مقام را بر دیگران می‌بندد.

ب) حفظ کردن اهل زمین از سختی و عذاب

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

سوگند به آن که مرا به پیغمبری برانگیخته و بهترین مردمان قرارم داده، وصی من بهترین اوصیاء است، و به درستی که او حجت خدا بر بندگانش است، و خلیفه او بر خلقش است و امامان (راهنمای پس از من) از فرزندان او هستند، به خاطر آنها خداوند عذاب را از اهل زمین باز می‌دارد، و به وجود ایشان آسمان را نگه می‌دارد، از این که جز به اذن او بر زمین فرود آید، و نگه می‌دارد به سبب آنها کوه‌ها را از این که مردم را به اضطراب اندازد نگه‌دارد... اینان به راستی اولیای خدا و به درستی جانشینان من هستند... آسمان منم، و برج‌ها امامان پس از من هستند که اولی آنها علی ﷺ و آخرشان مهدی ﷺ است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

به یمن وجود اهل بیت ﷺ و در زمان کنونی به برکت وجود حضرت مهدی ﷺ، آثاری چون برداشته شدن عذاب از اهل زمین و حفظ آسمان و نگه داشتن کوه‌ها از ایجاد اضطراب برای مردم، سیراب کردن خلق، رویاندن گیاهان، رقم می‌خورد و این موارد همان هدایت تکوینی و فوائد تکوینی وجود حضرت است، همان طور که برج‌های آسمانی

چنین خاصیت ظاهری دارند، امام نیز چنین برکاتی دارد.

ج) ارتباط داشتن با سایر ائمه علیهم السلام و در امتداد یکدیگر بودن هدایتگری آنان

برج‌های آسمانی در ظاهر آیه، منظور صور فلکی و ارتباط آنها با هم است؛ از این رو استعاره آن برای اهل بیت علیهم السلام نیز به پیوند آنها با یکدیگر برمی‌گردد، چنان‌که این انوار مقدس در آسمان وجود پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور می‌یابند و هر نوری امتداد نور دیگری است و همه راهنمایی برای رساندن به یک مقصد هستند (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

د) حفظ کردن آسمان نبوت و بقاء دین

وجود ائمه علیهم السلام سبب بقاء آسمان و زمین است، اگر مراد از آسمان، وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد، با نور ائمه علیهم السلام که از آنها تعبیر به بروج شده، این آسمان حفظ می‌شود و دینی که به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردم رسید، تا روز قیامت حفظ می‌شود (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳). همان‌طور که برج‌های آسمانی چنین نقشی دارند. براساس روایات دیگر غلبه این دین بر سایر ادیان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز محقق می‌شود (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ ش: ۲، ۷۷۰). و افراد از هدایت واقعی و فراگیر بهره‌مند می‌شوند.

۶. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «نجم»

ذیل آیه «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل: ۱۶). روایات مختلفی تأویل آن را امام شمرده‌اند. در برخی «علامت» (ر.ک: قمی مشهوری، ۱۳۶۸ ش: ج ۷، ۱۹۱؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۲۴، ۸۲). و در بیانی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، «نجم» برای امام استعاره آورده شده است. در پیوند این دو مفهومی انتزاعی و عینی کانون‌های مختلفی براساس روایات نگاشت شده است:

الف) امتداد دادن سبب اتصال بین خدا و خلق

در روایتی از امام علی علیه السلام و نیز توقیعی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آمده است: همان‌طور که وقتی ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طالع می‌شود، هر زمانی نشانه‌ای (امام) پنهان شود و از دنیا رود، نشانه و حجت دیگری آشکار می‌شود؛ پس نباید پنداشت سبب اتصال بین خدا و خلق قطع می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۴۸۷؛ راوندی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۱۱۶).

ب) نشان دادن جهت راه و مقصد

ستاره، نشانه‌ای برای تشخیص راه است، به ویژه ستاره جدی که جهت قبله را با آن می‌شناسند و مردم در دریا و خشکی، راه و جهت خود را از طریق آن پیدامی‌کنند؛ زیرا هیچ‌وقت ناپدید نمی‌شود (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۵۶). و افراد هر کجای زمین باشند آن را می‌بینند؛ وجود امام نیز چنین است و موقعیت و نور او در هر زمانی، راه را مشخص می‌کند، و هیچ‌گاه زمین خالی از امام نیست و هر کسی در هر جای کره زمین می‌تواند از راهنمایی امام بهره‌برد؛ چنان‌که در ذیل آیه ۱۶ سوره نحل، روایاتی در این پیوند معنای ظاهری نجم و باطنی آن وارد شده است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۵۶). چراکه نه فقط برای شناخت راه از بیراهه، در بیابان‌ها و... نیاز به علامت است، بلکه برای شناخت حق از باطل نیز در لابه‌لای هوس‌ها و غرائز و طاغوت‌ها، به نشانه‌های روشن احتیاج است (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ج ۴، ۵۰۲). و این تجلی بارزی از هدایتگری امام است.

ج) امنیت بخشیدن برای اهل زمین

ستارگان به خاطر نورشان و یا به هر دلیل دیگری سبب امنیت برای اهل آسمان‌ها هستند. اهل بیت نیز امان اهل زمین هستند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۶، ۵۴۵؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۲۴، ۶۷). و با راهنمایی‌های خود آنها را از عذاب دور می‌کنند (مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۰۶) یا خداوند به واسطه آنها آسمان را نگه می‌دارد تا جز به اجازه او، بر زمین فرو نیفتد؛ به واسطه آنها زمین را نگه می‌دارد که اهلش را به لرزه درنیورد (مجلسی، بی‌تا: ج ۲۳، ۵).

۷. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «کوکب دری»

در روایاتی که در مورد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله است، خداوند همه ائمه علیهم السلام را به اسم نام می‌برد و آنها را نور معرفی کرده، به گونه‌ای که در بین آنها حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف مانند ستاره‌ای بسیار نورانی و بزرگ، می‌درخشد (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۲۷، ۱۹۹-۲۰۰). در استعاره «کوکب دری» برای حضرت در میان نور سایر ائمه علیهم السلام، کانون‌های مختلفی نگاشت شده است که نشانگر راهنما بودن خاص ایشان است:

الف) خاص بودن شأن هدایتگری حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف نسبت به سایر ائمه علیهم السلام

همان طور که گرانباترین و زیباترین گوهرها را در وسط قرار می دهند، کوکب دری و درخشش این ستاره به طور خاص در میان بقیه، که استعاره برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، حکایت از شرافت و رفعت مقام و منزلت خاص حضرت دارد، مانند جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین سایر ائمه علیهم السلام (موسوی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۲-۲۸۴). و این یکی از وجوه خاص بودن حضرت، شرایط ویژه و شأن هدایتی ایشان در آخرالزمان است، چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور ایشان؛ مانند گوهری نورانی که در وسط قرار دارد، جلوه خاصی نسبت به سایر هم نوعان خود داشته و همه ناخودآگاه به سوی آن توجه می کنند.

ب) کمال ظهور و راهنمایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

این استعاره، کمال ظهور و انتشار نور آن حضرت را می رساند، مانند خورشید که به وسط آسمان می رسد، نورش برای تمام دیدگان در همه شهرها آشکار می شود و به حد اعلی می رسد (موسوی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۲-۲۸۴). استعاره وسط قرار گرفتن این ستاره نورانی برای حضرت نیز نهایت ظهور ایشان را برای همه را، تصویرسازی می کند به گونه ای که همه را به نور هدایتی خود متوجه می کند.

ج) توجه ویژه داشتن سایر ائمه علیهم السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

هر چیزی در وسط قرار می گیرد، انظار به سوی آن متوجه می گردد و چون پیوسته انظار ائمه علیهم السلام به سوی امام غائب بوده (به دلیل وعده الهی بر ظهور او و حجت بودن ایشان و انتقام از دشمنان و... در ادامه روایت) خداوند نور مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در وسط انوار آنها قرار داده است (موسوی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۲-۲۸۴). حجت بودن و انتقام گیری از دشمنان و... همه شعاع هایی از نور هدایتی حضرت در نظر و عمل است. دقت و معرفت به این امر، تصویری ملموس در وجود انسان از هدایتگری حضرت، نقش می بندد و آدمی را در پیروی از ایشان مصمم می کند؛ از همین رو در ادامه روایتی که کوکب دری برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استعاره آورده شده، سخن از حجت الهی و پیروی است:

ای محمد اینان حجت ها [ی من] هستند و قائم از نسل و ذریه توست؛ به عزت و جلالم سوگند! او حجتی است که بر دوستدارانم لازم است از او پیروی کنند و اوست انتقام گیرنده از دشمنانم (مجلسی، بی تا: ج ۲۷، ۱۹۹-۲۰۰).

د) منتهی شدن امور و همه کمالات به حضرت

روایت مرکز انوار ائمه علیهم السلام را با تعبیر «کوکب دری» برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استعاره آورده است (ر.ک: مجلسی، بی تا: ج ۲۷، ۱۹۹-۲۰۰). زیرا کمالات و علوم همه ائمه علیهم السلام و پیامبران به آن حضرت منتهی می شود، از همین رو در مرکز همه انوارند، مانند دایره که همه شعاع ها به مرکز می رسد (موسوی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۲-۲۸۴). این وجه شبه برای استعاره نیز جنبه ویژه هدایتگری حضرت را می رساند زیرا انسان ها به کمال لایتنهایی تمایل دارند.

ه) در وسط قرار داشتن هدایت حضرت نسبت به هدایت سایر ائمه علیهم السلام از جهت رجعت با توجه به رجعت که از ضروریات است، امام زمان علیه السلام به حسب زمان، در وسط امامان قرار دارد (موسوی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۲-۲۸۴). از همین رو، وصف فوق برای ایشان، استعاره شده است که خود نشان از شأن اصلی امامت یعنی هدایت بخشی دارد.

۸. جلوه های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره های فرعی نور: استعاره «شهاب ثاقب»

زوایه دیگری که راهنمایی امام با استعاره نور تصویرسازی می شود، استعاره «شهاب ثاقب»، برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ذیل آیات «فَلَا أُفْسِمُ بِالْخُنُوسِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ» (تکویر: ۱۵-۱۶) بیان شده است. ویژگی شهاب آن است که در شب تاریک ناگهان مانند بارقه ای نمایان می شود و می درخشد. استعاره آن برای حضرت، از این جهات زیر است:

الف) ناگهانی بودن ظهور و روشن کردن راه

حضرت غایبند و ظهورشان مانند شهاب ثاقب است که یک لحظه و دفعتاً، راه را برای همگان روشن می کند، همان طور که امّ هانی گوید: از امام باقر علیه السلام درباره این آیات «فَلَا أُفْسِمُ بِالْخُنُوسِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ» پرسیدم، امام فرمود:

ای امّ هانی! امامی است که در سال ۲۶۰، خود را از دیده پنهان می کند، سپس مانند شهاب درخشان در شب تاریک نمایان می شود. ای امّ هانی! اگر در آن زمان باشی، چشم تو روشن خواهد شد (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۳۴۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۴۴).

ب) زدودن ظلمت از تاریکی های غیبت با ظهور حضرت

این استعاره به تاریکی ها و ظلمات زمان غیبت اشاره دارد که ظهور حضرت چون

شهاب در آن تاریکی‌ها، درخششی نفوذکننده دارد و هرکس آن را درک کند از حیرت و گمراهی نجات یابد. در روایتی نیز امام باقر علیه السلام در توضیح آیه «فَلَا أُفْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ» (تکویر: ۱۵-۱۶) فرمودند:

مقصود از این آیه مولودی است که در آخرالزمان خواهد آمد و او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این عترت طاهره است. او راست حیرت و غیبتی که مردمی به وسیله آن گمراه گردند و گروهی هدایت شوند. خوش به حال تو اگر او را درک کنی و خوشا به حال کسی که او را می بیند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۳۰؛ مجلسی، بی تا: ج ۵۱، ۱۳۷).

ج) امید بخشیدن

از روایات بالا استفاده می شود، با ظهور حضرت در دل تاریکی های غیبت، نور امیدی در دل همگان، روشن می شود که به واسطه درک حضرت، خوشی هدایت را می چشند.

نتیجه گیری

نور بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان از هدایتگری ایشان است و استعاره های مفهومی نهار، شمس، قمر، نجم، برج، کوکب دری، شهاب ثاقب با یکدیگر پیوندی دارند، که همه به استعاره نور بودن امام برمی گردد، پیوند آنها در نمودار شماره ۱ مشاهده می شود.



نمودار ۱: رابطه پیوند استعاره های مختلف نور بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همان طور که گذشت این استعاره ها، کانون های مختلفی را در کانون اصلی هدایتگری، بازآفرینی کرده اند که در جدول شماره ۱ نیز مشاهده می شود. تأمل در این شئون، زمینه ای برای رسیدن انسان به هدف نهایی آفرینش خود، یعنی نورانی شدن با خروج از ظلمات به سوی نور (احزاب: ۴۳؛ ابراهیم: ۱). خواهد بود، زیرا براساس زیارت

بسم الله الرحمن الرحیم

جامعه کبیره، تمام وجود امام هر زمانی، نور است از خلقت او تا کلام و رفتار او؛ و چنین نور فراگیری است که افراد را از ظلمات سردرگمی نجات می دهد، البته به شرطی که به سراغ آن نور بروند و آن را فراروی خود قرار دهند و نه از آن جلو بیفتند و نه عقب؛ همان طور که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند: «به اهل بیت پیامبران بنگرید از آن سو که گام برمی دارند، بروید. قدم به جای قدم شان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی برند و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید از آنها پیشی نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می گردید (مجلسی، بی تا: ج ۳۴، ۸۲).

رویکردهای مختلف استعاره نور در روایات تفسیری قرآن، از همین روست که مردم امام را مهجور نگذاشته و با شناخت ملموس امام از او اطاعت کنند تا نور رستگاری زندگی دنیوی و اخروی هدایت پذیران را روشن سازد و چه در زمان غیبت و چه ظهور امام، با اتصال به این نور، خود را با سیره و دستورات حضرت منطبق می کند و به سوی مقصد حقیقی پیش روند. این همه، جلوه ای زیبا از هدایت بخشی مستمر امام است.

حوزه مبدأ	حوزه مقصد	کانون استعاره
۱ نور	حضرت مهدی	کانون های مربوط به وجود خود حضرت: الهی بودن، ذاتی و دائمی بودن، هدایتگری در امتداد هدایت سایر ائمه و تمام کننده آن؛ کانون هایی مربوط به سایر موجودات به ویژه انسان ها: تکوینی و تشریعی بودن، نهایت هدایتگری، برطرف کردن ظلمات، حیات بخشیدن و رشد دادن.
۲ نهار	حضرت مهدی ظهور	آشکاربودن وجود حضرت مهدی، روشن کردن راه برای بینندگان طالب، روشن کردن همه امور از جمله حق و باطل، پایان دادن به تاریکی ها، امنیت بخشیدن.
۳ شمس	حضرت مهدی	آشکاربودن حضرت و عدم توان برانکار ایشان، آشکار ساختن همه چیز، فراگیری و نهایت هدایتگری، بهره مندی از هدایت به حسب ظرفیت، فایده رساندن دائمی حتی در زمان غیبت، آرامش بخشیدن و برطرف کردن اضطراب ها، وحدت بخشیدن و از بین بردن پراکندگی ها، هموارکردن مسیر و زدودن ظلمت ها، حیات بخشیدن و رشد دادن.
۴ قمر	حضرت مهدی	زیبا بودن و سرچشمه همه زیبایی ها، احاطه داشتن بر همه اشیاء، قابل رؤیت بودن امام از هر مکانی، امتداد دادن نور پیامبر و جانشین ایشان.
۵ برج	حضرت مهدی	تعداد ائمه و دوازدهمین آنها، حفظ کردن اهل زمین از سختی و عذاب، ارتباط داشتن ائمه با یکدیگر، حفظ کردن آسمان نبوت و بقاء دین

۶	نجم	حضرت مهدی	امتداد دادن سبب اتصال بین خدا و خلق، امان بودن برای اهل زمین و در پی امامان دیگر برای راهنمایی کردن به سوی مقصد.
۷	کوکب دری	حضرت مهدی	خاص بودن شأن هدایتگری امام مهدی، کمال ظهور و راهنمایی، توجه ویژه داشتن سایر ائمه به حضرت مهدی، منتهی شدن همه کمالات به حضرت، در وسط بودن هدایت حضرت نسبت به سایر ائمه از جهت رجعت.
۸	شهاب ثاقب	حضرت مهدی ظهور	ناگهانی بودن ظهور و هدایت، زدودن تاریکی های غیبت، امید بخشیدن.

جدول ۱: نگاشت ها در استعاره مفهومی برای ویژگی راهنما و هادی بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۱ش)، *معانی الأخبار*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران: نشر جهان.*
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه، دوم.
۵. ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی (بی تا)، *المناقب آل ابی طالب عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: المطبعة العلمیه.*
۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم المقاییس اللغة*، قم: مکتب العالم الاسلامی.
۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی.
۸. انصاریان، حسین (بی تا)، *تفسیر حکیم*، قم: دارالعرفان.
۹. بحرانی، هاشم (۱۳۷۸ش)، *الإنصاف فی النص علی الأئمة عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوم.*
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۱. تجری گلستانی، ابوالقاسم (۱۳۸۱ش)، «هدایت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، *مجله انتظار موعود*، ش ۵.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، *ادب فنای مقربان*، قم: اسراء، پنجم.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف *موجود موعود*، قم: اسراء، ششم.*
۱۴. حسینی استرآبادی، شرف الدین علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآیات الظاهرة*، تحقیق: حسین

عجل الله تعالی فرجه الشریف

سال شانزدهم، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- استادولی، قم: جامعه مدرسین.
۱۵. خاتمی، احمد (۱۳۸۶ش)، «امامان نور و صراط مستقیم»، مجله پاسدار اسلام، ش ۳۰۸.
۱۶. خزاز، ابوالقاسم علی (بی تا)، کفایه الاثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوه کمره ای، بی جا: بیدار.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.
۱۸. راوندی، قطب (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائح، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۹. صفار قمی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی تا)، بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد، تعلیق و تصحیح: محسن کوچه باغی، تهران: منشورات الاعلامی.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، پنجم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، سوم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه، سوم.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
۲۴. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: هجرت، دوم.
۲۶. قائمی نیا، علیرضا و دیگران (۱۳۹۳ش)، زبان استعاره و استعاره های مفهومی «استعاره های مفهومی در آیات قرآن»، تهران: هرمس، دوم.
۲۷. قائمی نیا، علیرضا (۱۴۰۰ش)، معناشناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوم.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، یازدهم.
۲۹. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامی، ششم.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق:

- حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب، سوم.
۳۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، تهران: اسلامیه، دوم.
۳۳. مجلسی، محمد باقر؛ اعلمی، علاء الدین (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تحقیق: محمد باقر محمودی و عبد الزهراء علوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۵ش)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
۳۸. موسوی اصفهانی، محمد تقی (۱۴۱۴ق)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، بی جا: بدر، دوم.
۳۹. نصرتی، شعبان؛ رکعی، محمد (۱۳۹۹ش)، *معناشناسی شناختی در کار بست متون و حیانی*، قم: معارف اهل بیت.
۴۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیة للنعمانی*، تهران: صدوق.
۴۱. نوروزی، رضا (۱۳۹۳ش)، «نقش معرفت به امام زمان در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه سازی ظهور»، *فصل نامه پژوهش های مهدوی*، ش ۸.
۴۲. نهاوندی، علی اکبر؛ احمدی قمی، حسین؛ برزگر، صادق (۱۳۸۶ش)، *العقبری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم: مسجد مقدس جمکران.
43. Lakoff George. Jahnson Mark. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London:
44. University of Chicago Press.

